

روستایان و مشروطیت ایران

نویسنده
سهراب یزدانی

www.ketab.ir



نشر ملی
تهران
۱۴۰۱

سرشناسه:	یزدانی، سهراب، ۱۳۲۸-
عنوان و پدیدآور:	روستایان و مشروطیت ایران؛ سهراب یزدانی.
مشخصات نشر:	تهران، نشر ماهی، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری:	۳۲۰ ص.
شابک:	ISBN 978-964-209-362-5
یادداشت:	فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
موضوع:	جنبش‌های دهقانی — ایران — تاریخ.
موضوع:	جنبش‌های دهقانی — ایران — آذربایجان — تاریخ.
موضوع:	جنبش‌ها و قایم‌ها — ایران — آذربایجان.
موضوع:	ایران — تاریخ — انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق.
موضوع:	ایران — تاریخ — انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق. — آذربایجان.
موضوع:	ایران — تاریخ — انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق. — گیلان.
رده‌بندی کنگره:	DSR ۱۴۰۷ ۱۳۹۹
رده‌بندی دیویی:	۹۵۵/۰۷۵
شماره‌ی کتابخانه‌ی ملی:	۷۳۹۹۰۲۱

۱۴۰۱/۹/۲۳

www.ketab.ir

روستایان و مشروطیت ایران

نویسنده: دکتر سهراب یزدانی

پاییز ۱۴۰۱
نسخه ۱۵۰۰

چاپ اول
تیراژ

حسین سجادی
آزاده حسینی
مصطفی حسینی
آرمانسا
صنوبر
آرمانسا

مدیر هنری
نسخه پرداز
ناظر چاپ
لیتوگرافی
چاپ جلد
چاپ متن و صحافی

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۹-۳۶۲-۵
همه ی حقوق برای ناشر محفوظ است.



تهران، خیابان انقلاب، رویه روی سینما سپیده، شماره ی ۱۱۷۶، واحد ۴

تلفن و دورنگار: ۶۶۹۵ ۱۸۸۰

www.nashremahi.com

فهرست مطالب

۹	دیباچه
۳۷	۱ نظام ارباب-رعیتی در ایران
۷۵	۲ حکومت مشروطه و دادخواهی رعایا
۱۰۱	۳ مسئله‌ی بهره‌ی مالکانه و مالیات‌ها
۱۲۷	۴ جنبش روستاییان آذربایجان
۱۵۱	۵ گیلان: «انقلاب قراء و قصبات»
۱۸۵	۶ نهادهای مشروطه و روستاییان
۲۱۱	۷ مشروطه‌خواهان و مسئله‌ی ارضی
۲۳۱	۸ بررسی جنبش دهقانی
۲۵۹	یادداشت‌ها
۳۰۱	گزیده‌ی منابع
۳۰۶	نمایه

دیباچه

دهقانان به طور معمول تأثیر چندانی بر امور سیاسی کشورشان نمی‌نهند. به عبارتی، نفوذ آنان بر عرصه‌ی سیاست کم‌تر از همه‌ی طبقات و لایه‌های اجتماعی، حتی فرودستان شهری، است. فرمانروایان نیز چندان نگران زندگی روستاییان نیستند. اما در دوره‌ی انقلاب موقعیت دیگری پدید می‌آید. انقلاب‌هایی که در جوامع کشاورزی رخ می‌دهند از تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم توده‌ی عظیم دهقانان برکنار نمی‌مانند. در حقیقت، هیچ جنبش انقلابی بزرگی در جهان معاصر نبوده است که دهقانان بر سرنوشت آن اثر نگذاشته باشند. اما کسی که به مطالعه‌ی مشروطیت ایران می‌پردازد نمی‌تواند به این گفته‌ی کلی دل خوش کند، و چنین پرسش‌هایی به ذهن او می‌آید: همگام با خیزش شهرنشینان، وضع روستاهای ایران به چه صورت درآمد؟ جنبش همگانی جامعه چه اثری بر روستاییان گذاشت و چه حرکتی در میان آن‌ها پدید آورد؟ پرسش‌های دیگر نیز خواه‌ناخواه به دنبال می‌آیند: دهقانان چه خواسته‌هایی داشتند؟ کدام شیوه‌های مبارزه و اعتراض را به کار بستند؟ و سرانجام این‌که چه اثری بر مشروطیت ایران گذاشتند؟

برای یافتن پاسخ این پرسش‌ها باید دید دهقانان چه جایگاهی در جنبش‌ها و انقلاب‌های دیگر داشته‌اند. به این موضوع توجه کنیم که اگرچه هر جامعه‌ی روستایی از ویژگی‌هایی خاص برخوردار است، اما بین جوامع دهقانی وجوه مشترکی نیز وجود دارد. رابطه‌ی دهقانان با مالکان زمین و دستگاه‌های دولتی در همه‌جا کمابیش یکسان است، گروه‌بندی درونی روستاها همانند است، و فضای سیاسی روستاها به هم شباهت دارد. حتی جنبش‌های دهقانی در سرزمین‌هایی

که هزاران فرسنگ با یکدیگر فاصله دارند و از نظر اجتماعی و فرهنگی متفاوتند ویژگی‌هایی یکسان به خود می‌گیرند.^(۱) جامعه‌ی روستایی ایران تافته‌ای جدا بافته از دیگر جوامع روستایی جهان نبود. به همین علت، برای آن‌که بتوانیم معیاری برای مقایسه به دست بیاوریم، ابتدا اعتراض‌ها و مبارزهی دهقانی را در چند کشور به طور خلاصه بررسی می‌کنیم.

در بخش دوم دیباچه، به تاریخ‌نگاری مشروطه می‌نگریم تا ببینیم درباره‌ی حرکت دهقانان ایرانی چه گفته‌اند. تاریخ‌نگاران مشروطیت معمولاً به سطوح بالای جنبش سیاسی نگریسته‌اند و اگر به حرکت فرودستان اشاره کرده باشند، آن را حاشیه‌ای و ناچیز شمرده‌اند. در میان لایه‌های فرودست نیز از همه کم‌تر به موقعیت دهقانان پرداخته‌اند. نگاه انتقادی به تاریخ‌نگاری مشروطه می‌تواند ما را آماده کند تا از مسیر همیشگی فراتر برویم.

در جهان پیش سرمایه‌داری، کشاورزی پایه‌ی تولید اقتصادی بود و کشوری یافت نمی‌شد که بخش بزرگ تولید ملی‌اش ریشه در روستا نداشته باشد. دهقانان اکثریت عظیم جامعه‌ی بشری را تشکیل می‌دادند و حداقل ۷۵ تا ۸۰ درصد جمعیت جهان در روستاها می‌زیستند. اگرچه در چند کشور پیشرفته‌ی صنعتی این نسبت رو به دگرگونی می‌رفت، تا میانه‌ی سده‌ی بیستم اکثر کارگران جهان هنوز دهقان شمرده می‌شدند. آن‌ها تولیدکنندگان اصلی جامعه بودند، اما یا مالک ابزار پایه‌ای تولید — یعنی زمین — نبودند، یا زمین کافی در اختیار نداشتند. آن‌ها ثروت تولید می‌کردند و مالکان زمین، یا کسانی که زمین در تصرفشان بود، ثروت می‌اندوختند. دولت‌ها نیز با مالیات‌گیری از روستاییان چرخ سازمان‌های اداری و نظامی خود را می‌گرداندند. در چنین جوامعی، مشکل پایه‌ای مسئله‌ی ارضی و رابطهی ارباب و دهقان بود.

بین کارگران صنعتی در نظام سرمایه‌داری و دهقانان در جامعه‌ی پیش سرمایه‌داری تفاوتی چشمگیر وجود دارد: کارگران صنعتی فاقد ابزار تولیدند، در صورتی که دهقانان ابزار تولید اقتصادی را در اختیار داشتند. بنابراین در جامعه‌ی کشاورزی وجود طبقه‌ی زمیندار امری ضروری نبود. به همین دلیل هم برای آن‌که مازاد تولید به کیسه‌ی ارباب بریزد، اجبار غیراقتصادی بر روند تولید حاکم می‌شد و این اجبار صورت‌های گوناگون به خود می‌گرفت. در نظام

سیرف‌داری (سرواژ) به صورت وابستگی رعیت به زمین درمی‌آمد و او با زمین خرید و فروش می‌شد. در جاهایی که سیرف‌داری برقرار نبود، رابطه‌ی ارباب-دهقان به گونه‌ای تنظیم می‌شد که برتری ارباب محفوظ بماند. در همه‌ی جوامع کشاورزی، تکالیف گوناگون بر دوش دهقان سنگینی می‌کرد که باید به اجبار برای ارباب و دولت انجام می‌داد. سهم ارباب، به صورت محصول یا پول نقد و انواع مالیات، به زور از او گرفته می‌شد. نظام حقوقی برپایه‌ی نابرابری استوار بود و در روستا به داوری ارباب صورت می‌گرفت.

دهقانان، مانند همه‌ی طبقات فرودست، استثمار اقتصادی و زندگی زیر سایه‌ی زور، فشار، تحقیر و نابرابری را تا حدی تحمل می‌کردند و چاره‌ی دیگری هم نداشتند، زیرا زندگی خود و خانواده‌شان در گرو صاحبان قدرت بود. در عین حال، توقع داشتند که اربابان و حاکمان هم خدماتی برایشان انجام دهند. این خدمات در حدی بود که خانوار روستایی را زنده نگاه دارد و امکان کشت و کار را در اختیارش بگذارد. اما اگر میزان بهره‌ای که زورمداران می‌بردند با خدمتی که ارائه می‌کردند تناسب چشمگیری نداشت، عدالت مرسوم را زیر پا گذاشته بودند. در این موقعیت، چنین امکانی پدید می‌آمد که دهقانان واکنش نشان دهند.^(۲)

چگونگی و دامنه‌ی واکنش دهقانی در جوامع مختلف یکسان نبوده است. حتی در جامعه‌ای واحد نیز، بنا به موقعیت زمانی و شرایط سیاسی و اجتماعی، گونه‌های متنوع مقاومت پدید می‌آید. با وجود این، رفتار دهقانان در بسیاری از جوامع همسانی شگفت‌انگیزی نشان می‌دهد. ساده‌ترین و گسترده‌ترین نوع مقاومت «انفعال» است. در این مورد، تفاوت چندانی بین دهقانان و سایر گروه‌های بی‌قدرت وجود ندارد. رفتارهایی مانند تبلی عمدی، کارشکنی، تظاهر به نفهمی و دله‌دزدی اموری طبیعی‌اند. این اعمال را دهقانان به طور فردی انجام می‌دهند، اما در میان روستاییان چنان گسترده می‌شود که به صورت حرکت جمعی درمی‌آید. جیمز اسکات این رفتارها را «مقاومت روزانه‌ی دهقانان» می‌نامد و «جنبش» می‌شمرد.^(۳) از دیدگاه او، چنین جنبشی هماهنگی یا برنامه‌ریزی نمی‌خواهد، سازمان رسمی یا رهبر مشخصی ندارد، بر خود نامی نمی‌نهد و پرچمی نمی‌افرازد، و از هرگونه برخورد مستقیم یا نمادین با دستگاه اقتدار روگردان است. با همه‌ی این‌ها، چنان قدرتی دارد که می‌تواند رابطه‌ی ارباب با دهقان را تعدیل کند.^(۴)